

## ابعاد ایمان

ایمان در دیدگاه بسیاری از مردم معادل "باور" است. یعنی قبول و پذیرش موضوعاتی مثل: خدا، پیامبر، آخرت، دین و غیره. به کسی مؤمن گفته می‌شود که باوری ذهنی و تأییدی نظری به موضوعات ماوراءالطبیعه داشته باشد. هرچند باور کردن، که مقابل کفر، به معنای انکار و ندیده گرفتن است، بخشی از ایمان محسوب می‌شود، اما به تعبیر امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup>: معرفت قلبی آغاز ایمان است نه همه آن! اقرار به زبان و عمل به ارکان است که آنرا تحقق می‌بخشد:

حکمت ۲۲۷ نهج البلاغه - الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ

در مورد مسلمانان منحرف شده بعدی نیز شبیه همین تعابیر را به کار می‌برد:

خطبه ۱۹۲ - بند ۱۰۶ - وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَعْرَابًا، وَبَعْدَ الْمُوَالَاهِ أَحْزَابًا، مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِاسْمِهِ، وَلَا تَعْرِفُونَ مِنَ الْإِيْمَانِ إِلَّا رَسْمَهُ...

در سوره حجرات که جلوه "اخلاقیات" به شمار می‌رود آمده است که: بادیه نشینان گفتند ایمان آوردیم، بگو خیر، ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید اسلام آورده‌ایم، چون هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است:

حجرات ۱۴ - قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ۗ قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ....

در نظامات قبیله‌ای عصر جاهلیت، اعضای قبیله در جنگ و صلح و همه امور پیرو رأی و نظر رئیس قبیله بودند. بنابراین با ایمان آوردن برخی رؤسای قبایل، اعضای آن نیز در فرهنگ جاهلی تقلید و تبعیت، به اسلام می‌گرویدند. اما چنین اسلامی که ناشی از پیروی از پیران قوم است، همچون اسلام شناسنامه‌ای جوامع مسلمان، فاقد آثار تسلیم واقعی به خداست و تمرین و تربیتی بلند مدت نیاز دارد تا به "ایمان" تبدیل گردد. این هشدار در سوره‌ای که ارائه دهنده اخلاقیات متعالی است، می‌رساند که شرط ایمان، اخلاقی زیستن در مناسبات با مردم است.

پیوستگی ایمان و عمل صالح با یکدیگر، از اصول مسلمی است که ده‌ها بار در قرآن بر آن تأکید شده است؛ همانطور که عمل صالح بدون انگیزه و محرک ایمانی در منطق قرآنی و نزد خدا فاقد ارزش است (هرچند ما به آن ارج می‌نهمیم)، ایمانی هم که منجر به عملی شایسته نگردد، فاقد ارزش است. نگاه کنید:

انعام ۱۵۸ - ...يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا  
قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

وابستگی ایمان و عمل صالح را، همچون وابستگی پای چپ و راست در راه رفتن، در این فراز حکیمانه امام علی (ع) می توان دریافت:

خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه - فَبِالْإِيْمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيْمَانِ، وَبِالْإِيْمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ، وَبِالْعِلْمِ يُرْهَبُ الْمَوْتُ، وَبِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا، وَبِالدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ، ...

باور امری ذهنی است که از علم و آگاهی به امری سر می زند، اما ایمان بال دیگر پرواز است که به علم جهت می دهد:

روم ۶۵ - وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيْمَانَ...

به تعبیر دیگری از امام علی (ع) توجه کنید:

خطبه ۱۸۹ - فَمِنَ الْإِيْمَانِ مَا يَكُونُ ثَابِتًا مُسْتَقِرًّا فِي الْقُلُوبِ، وَمِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِي بَيْنَ الْقُلُوبِ وَالصُّدُورِ،...  
برخی ایمان ها ثابت و مستقر در دل هستند و برخی معلق و سرگردان بین دل و سینه.

غرائب الحکمه شماره ۵ - إِنَّ الْإِيْمَانَ يَبْدُو لُمُظَةً فِي الْقَلْبِ، كُلَّمَا ازْدَادَ الْإِيْمَانُ ازْدَادَتِ اللَّمُظَةُ...  
ایمان همچون نقطه سفیدی در قلب آشکار می گردد و هرچه ایمان بیشتر شود آن نقطه بزرگتر می شود.

## ایمان و صبر

حکمت ۸۲ نهج البلاغه - وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيْمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ

حکمت ۱۱۳ - وَلَا إِيْمَانَ كَالْحَيَاءِ وَالصَّبْرِ،

## ایمان و توکل

یونس ۸۴ - وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ

## ایمان و زبان

خطبه ۱۷۶ بند ۲۲- لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ. وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ. فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ نَقِي الرَّاحَةِ مِنْ دِمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمْوَالِهِمْ، سَلِيمُ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ، فَلْيَفْعَلْ.

## ایمان و صدقه

حکمت ۱۴۶- سُوِسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ،

## علائم ایمان

حکمت ۴۵۸- الْإِيمَانُ أَنْ تُؤَثِّرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَالْأَيُّ كُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عِلْمِكَ (۶) وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ

حکمت ۳۱۰- لَا يَصْدُقُ إِيمَانُ عَبْدٍ، حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْتَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ

## ایمان های زبانی

یونس ۹۰-.... حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ  
عنكبوت ۱۰- وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ....  
نساء ۶۵- فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

## قرآن معدن ایمان

خطبه ۱۹۸ بند ۲۷- فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَبُحْبُوحَتُهُ ، وَيَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَبُحُورُهُ.

# حکمت شماره ۳۰ نهج البلاغه درباره ایمان

